

بررسی شواهدی از برابری جنسیتی، توانمندسازی زنان و سیستم‌های کشاورزی و غذایی
Examining evidence of gender equality, women's empowerment, and agricultural and food systems

امیر معمارزاده کیانی^۱، الهام عمویی^۲

دریافت: ۱۴۰۱/۲/۲۷

پذیرش: ۱۴۰۱/۸/۱۶

چکیده

مقاله پیش رو در مورد توانمندسازی و برابری جنسیتی زنان در جهت نیل به اهداف مهمی همچون پایداری توسعه کشاورزی، تولید محصولات استراتژیک، امنیت غذایی و ایمنی غذایی می‌باشد و به مرور منابع خارجی و داخلی در این حوزه پرداخته شده تا مشخص گردد توانمندسازی و برابری جنسیتی در ایران به چه میزان با شاخص‌های جهانی در مورد زنان همگام می‌باشد. در این پژوهش مشخص گردید که زنان چه مقدار به توانایی کافی در شاخه‌های مختلف از جمله: ایفای نقش در تحقق کشاورزی پایدار و تساوی در هنجارهای جنسیتی در حوزه کشاورزی و امنیت غذایی در ایران دست یافته‌اند. این تحقیق مشخص می‌نماید در چه نقاطی شکاف‌های عمیق در مورد برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان باقی‌مانده است. نتایج، مواردی را در مورد دسترسی متفاوت زنان به منابع، شکل‌گیری، تقویت از طریق هنجارهای جنسیتی و تفاوت رژیم غذایی را نشان می‌دهد. تحقیق پیش رو به بررسی مسائلی مانند: ملاحظات جنسیتی در سیستم‌های غذایی زنان در مناطق شهری، شیوه‌های مشارکت دادن مردان در فرایند توانمندسازی زنان در سیستم‌های غذایی و نیز مسائل مربوط به مهاجرت، بحران‌ها و سیستم‌های غذایی بومی محدود می‌گردد، لیکن شواهد نشان می‌دهد با ارزیابی جنسیتی و اثربخشی برنامه‌های کشاورزی حساس به جنسیت و تغذیه، زنان در حوزه توانمندسازی و دستیابی به برابری جنسیتی محدود مانده‌اند. به همین منظور، برنامه‌ریزی متناسب جهت مشارکت زنان در فرایند پایداری توسعه کشاورزی، تولید محصولات استراتژیک، امنیت غذایی و ایمنی غذایی در توازی با ترویج هنجارهای جنسیتی برابر و ارتقای دسترسی به منابع و تکیه بر شواهد تحقیقات بومی براساس جنسیت پیشنهاد می‌گردد.

کلید واژه: توانمندسازی، برابری جنسیتی، سیستم غذایی، رهبری و تصمیم‌گیری زنان

۱ دانشجوی دوره دکتری، گروه برنامه‌ریزی و مدیریت و آموزش محیط زیست، پردیس بین الملل کیش، دانشگاه تهران

۲ کارشناسی ارشد مطالعات زنان، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

مقدمه

زنان می‌توانند به عنوان بازیگران اصلی در نقش تولیدکنندگان، کارگران مزدبگیر، پردازشگران، تاجران و مصرف‌کنندگان در سیستم‌های کشاورزی و غذایی محسوب گردند. با توجه به نکاتی مانند اینکه محدودیت‌ها و فشارهای فراوان مانند دسترسی کمتر به فرصت‌ها، فناوری‌ها، امور مالی و سایر منابع تولیدی، حق تصدی و حق منابع کم دوام در مورد زنان وجود دارد، اما آنها هم‌چنان در سیستم‌های کشاورزی به فعالیت‌های خود ادامه می‌دهند. نابرابری‌های اجتماعی و ساختاری در سیستم‌های کشاورزی و غذایی، موجب ایجاد و تقویت این محدودیت‌ها و فشارها می‌شوند. به همین دلیل، نابرابری‌های غیر قابل اغماض جنسیتی در یک سرزمین می‌توانند در سطوحی کلان تأثیرگذار بر شاخصه‌های استراتژیک و ملی همانند: توسعه پایدار کشاورزی، دستیابی به امنیت غذایی و ایجاد سیستم‌های غذایی پایدار و در سطوح خرد نیز سبب دسترسی نابرابر به غذا، تولید و مصرف آن و تنزل شاخصه‌های سلامت و بهداشت ساکنان یک سرزمین منجر گردد. برای مثال، در بخش کشاورزی، شواهد نشان می‌دهند که زنان دسترسی و حقوق نابرابر نسبت به منابعی مانند زمین، آب، مرتع، بذر، کود، نهاده‌های شیمیایی، فناوری و اطلاعات و خدمات ترویجی و مشاوره‌ای دارند که می‌تواند پتانسیل زنان را در مولد بودن در کشاورزی، توانمندشدن در تصمیم‌گیری‌های استراتژیک و نیز، اقدام بر اساس تصمیمات و تشخیص حقوق‌شان کاهش دهد (داس، ۲۰۱۸؛ ماینزن دیک و همکاران، ۲۰۱۹؛ مولما و دامتو، ۲۰۱۶؛ مدزوررا و فوزی، ۲۰۲۰). علاوه بر این، زنان در مقایسه با مردان، در برابر ناامنی شدید غذا و تغذیه قرار دارند و نسبت به شوک‌های ناشی از ناامنی غذایی آسیب‌پذیرترند (مدزوررا و فوزی، ۲۰۲۰؛ تسیس و همکاران، ۲۰۱۹).

چارچوب مفهومی

ما مفهوم جنسیت را به عنوان یک اهرم مهم پیشرفت در تمام جنبه‌های سیستم‌های کشاورزی و غذایی تعریف می‌کنیم و بر اصطلاحات کلیدی مانند توانمندسازی زنان، توانمندسازی اقتصادی زنان و رویکردهای تغییر جنسیتی تأکید می‌کنیم. محرک‌های سیستم غذایی در یک سیستم جنسیتی با نابرابری‌های ساختاری جنسیتی محکم شده و با شوک‌ها و آسیب‌پذیری‌هایی شکل می‌گیرند که مردان و زنان را به روش‌های مختلف تحت تأثیر قرار می‌دهند. از این‌رو،

1 Doss; Meinzen-Dick *et al.*; Mulema & Damte; Madzorera & Fawzi

2 Madzorera and Fawzi; Theis *et al.*.

نابرابری‌های ساختاری جنسیتی، شوک‌ها و آسیب‌پذیری‌های جنسیتی، به عنوان محرک‌های سیستم‌های غذایی عواملی هستند که مردان و زنان در تمام شاخص‌های سیستم‌های غذایی آن را تجربه می‌کنند.

آنچه مد نظر تحقیق است آن است که تغییرات فراتری باید در حوزه زنان رخ دهد و لازم است فرایند توانمندسازی در مورد آنان به آسانی میسر گردد، به گونه‌ایی که زنان بتوانند از فعالیت‌های سیستم غذایی یعنی افزایش رفاه، امنیت غذایی، درآمد و سلامت بهره‌مند شوند و بتوانند تصمیم‌های استراتژیک زندگی را در سیستم‌های غذایی به کار بگیرند و بر اساس آن عمل کنند. آنچه مهم تلقی می‌شود این نکته است که تفاوت بین زنان و مردان در دسترسی به منابع و کنترل آن بر هنجارهای جنسیتی، نظارت بر چگونگی مشارکت مردان و زنان و بهره‌مندی آنان از سیستم‌های غذایی تأثیر می‌گذارد و منجر به تفاوت‌هایی در پیامدهای کلی ناشی از موارد ذکر شده در بین زنان و مردان می‌شود.

روش‌شناسی پژوهش

با توجه به دامنه وسیع موضوعات کلیدی مرتبط با جنسیت در سیستم‌های غذایی، پژوهش فوق با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند و شناسایی مقاله‌های نظام‌مند و درج کلمات کلیدی «جنسیت»، «زن» و «توانمندسازی» صورت گرفته است. کانون جغرافیایی مورد نظر در این تحقیق در بین کشورهای کم درآمد و یا با درآمد متوسط می‌باشد.

یافته‌ها

یافته‌های اصلی تحقیق با مفهوم سیستم‌های غذایی جنسیتی با عناوینی مانند غذا و زنجیره‌های ارزش، محیط غذایی، رفتار مصرف‌کننده و پیامدهای آن مطرح می‌شود.

تحقیقات نشان می‌دهند که زنان بازیگران و مشارکت‌کنندگان مهم در سیستم‌های غذایی هستند، اما مشارکت آنها در سیستم‌های غذایی کم‌ارزش بوده و یا نادیده گرفته شده است. شواهد به دست آمده از تغذیه در شرکت تری آی ۱ در سال ۲۰۲۱ نشان می‌دهد هرچند زنان نقشی مهم در سیستم‌های غذایی دارند، اما مطالعات کمی صورت گرفته که نشان دهد استراتژی‌ها یا اثربخشی مداخلات با هدف بهبود قدرت تصمیم‌گیری زنان و یا اندازه‌گیری پیامدهای مربوط به

توانمندسازی آنان باشد (مور و همکاران ۱، ۲۰۲۱). نظارتی که برای بهبود سیستم‌های غذایی صورت می‌گیرد، ممکن است به پیامدهای ضعیف یا استفاده ناکارآمد از سرمایه‌ها بیانجامد (مور و همکاران ۲۰۲۱). به طور کلی، ادبیات عمدتاً همسو با نحوه پیشبرد برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان در سیستم‌های غذایی است، اما تحقیقات کمی در این حوزه صورت گرفته است (مور و همکاران ۲۰۲۱).

مؤلفه‌های سیستم غذایی

زنجیره‌های ارزش محصولات کشاورزی

زنان نقش‌هایی مختلف در زنجیره‌های ارزش کشاورزی به طور فعال ایفا می‌کنند اما، موقعیت‌های زنان در تحقیق سیستم‌های غذایی کم‌ارزش و نادیده گرفته می‌شود. (دوس، ۲۰۱۳). در اتیوپی، آبات ۲ (۲۰۱۷) دریافت که زنان عمدتاً مسئول انبار، فرآوری پس از برداشت، پردازش شیر، نظافت طولیه، مراقبت از دام‌های تازه متولد شده، پخت و پز، آسیاب کردن، جمع‌آوری هیزم، و جین کردن با مردان، برداشت، خرمن کوبی و محافظت از محصولات در برابر حیات وحش هستند. شواهد به دست آمده از کشور بنین، نشان می‌دهد که زنان عمدتاً به فعالیت‌های آماده‌سازی و پردازش کشاورزی مشغولند و در صورت دسترسی به زمین، به فعالیت‌های تولید هم می‌پردازند (ایسلر و همکاران ۳، ۲۰۲۱). همچنین، مطالعات به دست آمده از بنین و تانزانیا نشان می‌دهند صرف نظر از تولیدکننده، مردان فروش و بازاریابی با ارزش بالاتر و زنان بازاریابی و مذاکره فروش با ارزش کم را مدیریت می‌کنند (ایسلر و همکاران، ۲۰۲۱؛ ام‌وازا و کارهوس ۴، ۲۰۱۵) شواهد گوپتا و همکاران (۲۰۱۷) مبنی بر این است که بهبود دسترسی زنان به بازار، همبستگی قوی و معناداری با افزایش سطوح توانمندسازی آنان در هند دارند.

محیط غذایی

1 Moore *et al.*,

2 Abate

3 Eissler *et al.*,

4 M-waseba and Kaarhus

شواهد رابطه‌ی برابری جنسیتی، توانمندسازی زنان و بهبود دسترسی آنان به مواد غذایی مغذی و سالم را نشان می‌دهند. مسائل مطرح شده در این تحقیق، نخست، مسئله اقتصادی و مقرون به صرفه بودن غذای مغذی به عنوان یک موضوع مهم برای دسترسی است که باعث پیشرفت برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان می‌شود. شواهد موجود نشان می‌دهد که زنان در مقایسه با مردان کمتر قادرند یک رژیم غذایی مغذی داشته باشند. همان‌طور که زنان در مقایسه با مردان یا اصلاً درآمدی ندارند یا اغلب در شغل‌هایی مشغول به کارند که دستمزد و درآمد کمتری دارند. به همین منظور، استقلال‌شان بر تصمیمات مالی خانوار کمتر است.

رفتار مصرف کننده

کشاورزی می‌تواند از طریق مصرف محصولات تولید خانگی یا افزایش قدرت خرید حاصل از فروش محصولات کشاورزی بر رژیم غذایی و انتخاب‌های رژیم غذایی اثر بگذارد. مور و همکاران (۲۰۲۰) در تحقیق خود در سال ۲۰۰۰ میلادی، دریافتند که نقش زنان در سیستم‌های غذایی به عنوان آشپزهای خانگی یا مادران شیرده یا زنانی هستند که سلامت آنها بر سلامت فرزندان‌شان تأثیر می‌گذارد. پژوهش‌های دیگر مبنی بر این است که هنجارها، نقش‌ها و مسئولیت‌های جنسیتی با زنان در نقش تهیه‌کنندگان غذا و مدیران کیفیت رژیم غذایی خانوار پیوند می‌خورد (ایسلر و همکاران، ۲۰۲۰؛ اسرابونی و کوییزومبینگ، ۲۰۱۸). یافته‌های کوماتسو و همکاران (۲۰۱۸) حاکی از آن است که بین مقدار زمانی که زنان در تهیه غذا و تنوع رژیم غذایی خانوار صرف می‌کنند، همبستگی مثبتی وجود دارد و نیز در تحقیق دیگری از چاتورودی و همکاران (۲۰۱۶)، وجود رابطه مثبت بین زمانی که مادران با فرزندان خود سپری می‌کنند و وضعیت تغذیه مشهود است. شواهدی وجود دارد که اثرات مثبت مشاوره تغذیه، آموزش تغذیه و آموزش مادران برای تغذیه، تنوع رژیم غذایی و پیامدهای سلامتی برای زنان و کودکان را نشان می‌دهد (چودری و همکاران ۲۰۱۹؛ آتکر و همکاران ۲۰۱۲؛ کیمامبو و همکاران ۲۰۱۸؛ رینبات و جردن ۲۰۱۶؛ رینبات و همکاران ۲۰۱۶؛ راکوتومانانا و همکاران ۲۰۲۰؛ راگاسا و همکاران ۲۰۱۹). به همین منظور، باید گفت مداخلات برای رژیم‌های غذایی پایدار و مغذی، زمانی اثربخش

است که با مؤلفه‌های رابطه تغییر رفتار در تغذیه و سلامت، توانمندسازی زنان، آب و بهداشت و موارد این چنینی در ارتباط باشد (روئل و همکاران، ۲۰۱۹).

پیامدهای سیستم غذایی

تحقیقات اخیر رابطه بین سلامت روان مادر و نیز افسردگی مادران با پیامدهای تغذیه در کودکان را بررسی کرده‌اند. ویماکور و منسح ۱ (۲۰۱۶) و آناتو ۲ و همکارانش (۲۰۲۰) بیان کردند که ارتباط مثبتی بین زنانی که علائم افسردگی دارند و سوء تغذیه کودکان در غنا و اتیوپی وجود دارد. آنها مشاهده کردند زنانی که بالاترین سطوح افسردگی را تجربه می‌کردند، کسانی بودند که کمترین درآمد را داشتند یا جزء خانواده‌های کم درآمد بودند. اما تحقیقات کمی در مورد شاخص سلامت مادران و تأثیرگذاری آنان بر روی فرزندان صورت گرفته است و لازم است تحقیقات بیشتری برای یافتن تأثیرات روانی اجتماعی در توانمندسازی و سلامت روان زنان با توجه به پیامدهای تغذیه و سلامت خانوار انجام گیرد. شواهد نشان می‌دهند دسترسی به منابع و توانمندسازی زنان با پیامدهای تغذیه‌ای و آموزشی کودکان رابطه دارد. برای مثال، وقتی زنان مالکیت گاو و گوسفند یا تنوع تولید را دارند، در کنار دسترسی به بازار و توانمندسازی، محرک‌های مهمی برای مصرف متنوع خانوار و وضعیت تغذیه‌ای هستند (سیبها تو و همکاران ۲۰۱۵؛ مولمی و همکاران ۲۰۱۶؛ هودینوت و همکاران ۲۰۱۵). تحقیقات صورت گرفته نشان می‌دهد که توانمندسازی زنان با پیامدهای تغذیه خانوار و دسترسی به غذاهای مغذی در ارتباط است (آلاف و همکاران، ۲۰۱۷؛ رینیوت و جوردن، ۲۰۱۶؛ بلوز و همکاران، ۲۰۲۰؛ مالائیت و کویزومبینگ، ۲۰۱۵؛ هکرت و همکاران، ۲۰۱۹؛ انتر و همکاران، ۲۰۲۱).

بطور کلی، توانمندسازی زنان، نقش‌ها و هنجارهای جنسیتی با هم رابطه تنگاتنگی دارند. هرچند باید تحقیقاتی بیشتری در آینده صورت گیرد تا بهتر بتوانند نحوه تعامل گسترده نقش‌های جنسیتی با مداخلات کشاورزی حساس به تغذیه را نشان دهند (روئل و همکاران، ۲۰۱۹). با توجه به مطالعات صورت گرفته از محدودیت پیامدهای معیشت برابر بین زنان و مردان، زنان در مقایسه با مردان با موانع نامناسبی در دسترسی به گزینه‌های مالی و اعتباری روبرو هستند (ادگبیت و همکاران، ۲۰۲۰؛ گوش و وینود، ۲۰۱۷؛ داوود و همکاران، ۲۰۱۹). کبیر و همکاران (۲۰۱۹) دریافتند که در بنگلادش،

1 Mensah

2 Anato

عدم دسترسی به پول و اعتبار، مهم‌ترین مانعی است که زنان تولیدکننده با آن مواجه هستند و از عواقب آن می‌توان به فقدان آموزش مبتنی بر نیاز، نرخ‌های بهره بالا، دسترسی ناکافی به زمین و فقدان کیفیت بذر اشاره کرد. متعادل نمودن عواملی همانند: هنجارهای محدودکننده جنسیتی، عدم دسترسی به منابع و بار زمانی برخاسته از نقش‌ها و مسئولیت‌های هنجاری، میانجی‌گر قوی برای توانایی زنان در کسب درآمد و مشارکت در فعالیت‌های درآمدزا محسوب می‌شوند.

حمایت از کارآفرینی زنان به عنوان یک مرحله مهم در پیشبرد برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان در سیستم‌های غذایی در نظر گرفته شده است. مالاپیت و همکاران (۲۰۱۹) نشان می‌دهند لزومی ندارد مشاغل کوچک و خانگی باشند، زیرا چنین مشاغلی برای زنان معمولاً سود کمی به همراه دارد و به بار زمان فعلی آنان را می‌افزایند. وولف و فرس (۲۰۱۸) در یک بررسی منظم ادبیات بر لزوم تشخیص این نکته تأکید کردند که حمایت از همسر یک عامل کلیدی برای کارآفرینی زنان یا مشارکت در فعالیت‌های درآمدزا است.

مسائل جنسیتی و سیستم غذایی مقطعی

هنجارها و انتظارات اجتماعی جنسیتی

هنجارهای اجتماعی و فرهنگی شکل‌دهنده و تقویت‌کننده روش‌هایی هستند که در آن زنان و مردان می‌توانند مشارکت کنند، به فرصت‌ها و منابع دسترسی داشته باشند و از آنها بهره‌مند شوند (کریستجیانسون و همکاران، ۲۰۱۷؛ ماینزن دیک و همکاران، ۲۰۱۹؛ راثو و همکاران، ۲۰۱۷؛ موسا و توانا، ۲۰۱۴). این امر پیامدها و نتایج مهم در تمام جنبه‌های پیشبرد توانمندسازی زنان و برابری جنسیتی در سیستم‌های غذایی دارد. مثلاً، هنجارها می‌توانند مانعی برای توانایی زنان در دسترسی یا اتخاذ شیوه‌های جدید کشاورزی باشند (کیپتوت و فرانزل، ۲۰۱۲؛ نجوکی و همکاران، ۲۰۱۴).

هنجارهای جنسیتی-اجتماعی از لحاظ زمینه و فرهنگ، خاص هستند و پیوند قوی با توانمندسازی زنان دارند (آیسلا و همکاران، ۲۰۲۱؛ ماینزن دیک و همکاران، ۲۰۱۹؛ برایان و گارنر، ۲۰۲۰). ادراک امیک ۱ در این است که یک زن توانمند و یک مرد قدرتمند با هم متفاوت هستند و می‌تواند ما را به درکی از تفاوت‌های ظریف فرهنگی، انتظارات از نقش‌های

مطرح شده بین دو جنسیت و مسئولیت‌های زنان برساند (مایینزدیک و همکاران، ۲۰۱۹؛ برایان و گارنر، ۲۰۲۰). روی هم رفته، مردان تصمیم‌گیرندگان خانه محسوب می‌شوند، در حالی که زنان مسئول کارهای خانه، مراقبت از کودکان، تهیه غذا و سایر وظایف مراقبتی بدون دستمزد هستند. در روستاها و در محیط کشاورزی، زنان علاوه بر کار خانه، سر زمین‌های کشاورزی همراه با شوهران‌شان کار می‌کنند و نیروی کار برای خانوار محسوب می‌شوند، اما دستمزد و پاداشی دریافت نمی‌کنند (پیچیونی و همکاران، ۲۰۲۰؛ ناهوسنای، ۲۰۱۷؛ گوش و چوپرا، ۲۰۱۹). شواهد اخیر نشان می‌دهند که الگوهای سلطه مرد در خانواده با هنجارهای جنسیتی افراد رابطه دارد (لییت، ۲۰۲۱).

دسترسی جنسیتی به منابع، خدمات و فناوری و کنترل آن

در پژوهشی مجموعه‌ی وسیعی از تحقیقات در مورد تفاوت‌های دسترسی مردان و زنان به مالکیت و کنترل بر منابع را در سیستم غذایی بررسی کرده‌اند (جانسون و همکاران، ۲۰۱۶؛ اودوجی و همکاران، ۲۰۱۹؛ پرز و همکاران، ۲۰۱۵؛ گبر و همکاران، ۲۰۱۹؛ فیشر و کار، ۲۰۱۵؛ لامبرشت و ماهر، ۲۰۱۹). پژوهش‌ها بین مالکیت زنان در زمین و مشارکت آن‌ها در گروه‌های اجتماعی یا شبکه‌های تعاونی ارتباط مثبتی پیدا کرده‌اند که نشان می‌دهد دسترسی به منابع مهم مانند زمین و منابع دیگر، افزایش قدرت چانه‌زنی و دارایی‌های ادغام‌شده را آسان می‌کند. شواهد بیشتر نشان می‌دهد زمانی که فعالیت‌های قبلاً کم ارزش و کم منفعت زنان به فعالیت‌های با ارزش و پر درآمد تبدیل می‌شوند، کنترل بر فعالیت یا منابع از زنان به مردان منتقل می‌شود (ام واسبا و کارهوس، ۲۰۱۵).

مرور منابع و ادبیات موجود نشان می‌دهد که زنان در دسترسی و انتخاب فناوری‌ها، اطلاعات و خدمات کشاورزی با موانع اجتماعی، فرهنگی و نهادی مواجه هستند (پیترمن و همکاران، ۲۰۱۴؛ پیترمن و همکاران، ۲۰۱۱؛ پرز و همکاران، ۲۰۱۵؛ مودیژ و همکاران، ۲۰۱۵؛ راگاسا و همکاران، ۲۰۱۳؛ دپینتو و همکاران، ۲۰۲۰؛ راگوناتان و همکاران، ۲۰۱۹؛ دافی و همکاران، ۲۰۲۰). مردان و زنان برای دسترسی به چنین اطلاعات و فناوری‌ها، نیازهای متفاوتی دارند. بنابراین، با تجزیه و تحلیل جنسیتی می‌توان استراتژی‌های ارتباطی لازم را تنظیم کرد که اطلاعات و انتشار کافی برای مردان و زنان هدف‌گذاری شود (تال و همکاران، ۲۰۱۴؛ پیترمن و همکاران، ۲۰۱۴؛ دیوف و همکاران، ۲۰۱۹؛ راگاسا و همکاران، ۲۰۱۳؛ جوست و همکاران، ۲۰۱۶؛ مودیج و همکاران، ۲۰۱۷؛ دافی و همکاران، ۲۰۲۰). در کل، زنان در مقایسه با مردان به اطلاعات به شکلی نامناسب دسترسی کمتری دارند؛ اما در مورد موضوعات خاص مرتبط با نقش‌ها و مسئولیت‌های

جنسیتی- هنجاری خود، مانند حمل و نقل پس از برداشت و تولید دام کوچک دسترسی بیشتر به اطلاعات دارند (تویمن و همکاران ۲۰۱۴). طرح برنامه‌های حساس به جنسیت با هدف افزایش دسترسی به فناوری‌ها، تأثیراتی مثبت بر پیامدهای تغذیه و سلامت زنان دارند (کاسی و همکاران، ۲۰۲۰؛ آلوفه و همکاران، ۲۰۱۹).

کارگزاری زنان: تصمیم‌گیری و رهبری

سطح خانوار

شواهد نشان دهنده پیامدهای مثبت تغذیه مطلوب، معیشت، رفاه و تاب‌آوری زنان تأثیر بیشتری در تصمیم‌گیری خانواده دارد. پژوهش‌های متعدد نشان می‌دهند وقتی زنان مالکیت ملکی را دارند، به طور معنادار در تصمیم‌گیری‌های خانوار به ویژه، در مسائل تصمیم‌گیری کشاورزی یا تولیدی، درگیرترند یا نفوذ بیشتری دارند (ویگ، ۲۰۱۳؛ میشر و سام، ۲۰۱۶).

سطح جامعه

دیرو و همکاران (۲۰۱۸) به شواهدی دست یافتند که افزایش توانمندسازی زنان، مانند مشارکت زنان در رهبری جامعه، با بهره‌وری کشاورزی بالاتر رابطه دارد و زنان متعلق به خانواده‌های با امنیت غذایی بیشتر، برای شرکت در نقش‌های رهبری جامعه تمایل بیشتری دارند. نیوونر-گرین و همکاران (۲۰۱۹). برای زنان روستایی هندوراس نتیجه گرفتند که هنجارهای اجتماعی و تعصبات ساختاری، مانع مشارکت زنان برای پست‌های رهبری در گروه‌های کشاورزی می‌شود و نفوذشان در تصمیمات جامعه محدود می‌گردد. برخی شواهد نشان می‌دهند که زنان در مقایسه با مردان، بیشتر برای گروه‌های پس‌انداز و اعتباری ارزش قائل می‌شوند و احتمالاً دسترسی بیشتر به مؤسسات فرامحلی دارند و در گروه‌های کمتری شرکت می‌کنند در حالی که، مردان دسترسی بیشتر به مؤسسات و خدمات داخل بخش سکونت‌شان دارند (کرامر و همکاران، ۲۰۱۶؛ پرز و همکاران، ۲۰۱۵).

سطح سیستم‌های غذایی

حضور زنان در راه‌حل‌های کشاورزی، اعم از طراحی و اجرای فناوری، به عنوان مسیری مطمئن در نیل به توانمندسازی و برابری جنسیتی محسوب می‌گردد که در سیستم‌های غذایی کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. به عنوان مثال، شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد زنان ارجحیت و برتری‌های متفاوتی نسبت به مردان با توجه به تنوع محصول دارند (گیلیگان و همکاران، ۲۰۲۰؛ تیکن و همکاران، ۲۰۱۸).

نتیجه‌گیری

تحقیق فوق با مرور گسترده منابع و تحلیل و تفسیر آن در نظر داشت بررسی نماید که زنان هم‌چنان وابستگی و عدم استقلال در عصر حاضر را تجربه می‌کنند و آیا در توانمندسازی رشدی داشته‌اند و سیاست‌های کلان و استراتژیک در هر سرزمین همچون توسعه کشاورزی پایدار، امنیت و ایمنی غذایی چگونه با شاخص‌هایی همچون مشارکت و توانمندسازی جامعه زنان در هر سرزمین وابستگی دارد. به منظور انجام مطلوب این امر، یافته‌های پژوهش در کشور ایران نیز با نتایج مطالعات و مرور منابع در زمینه شاخص‌های توانمندسازی زنان، برابری جنسیتی و امنیت غذایی قیاس و تحلیل گردید. با توجه به گزارش بانک جهانی، تداوم محرومیت و نابرابری جنسیتی در کشورهای در حال توسعه هم‌چنان وجود دارد و بیش از نیمی از جمعیت فقیر جهان را زنان تشکیل می‌دهند، در حال که بیش از دو سوم از بار کار بر دوش آنها قرار دارد.

در پژوهشی توانمندسازی زنان سرپرست خانوار در ایران را با بررسی عوامل زمینه‌ای، اجتماعی، اقتصادی و روانی به انجام رسانیده است که فرایند عدم توانمندسازی زنان به مواردی چون عدم دسترسی به آموزش، عدم مشارکت در تصمیم‌گیری‌های خانواده، عدم امکان کسب مهارت، اتکا به مرد خانواده و... منوط می‌گردد که منجر به وابستگی و عدم مشارکت آنان در جامعه می‌شود. زنان عمدتاً توانمندی بالقوه دارند، اما فاقد توانمندی بالفعل‌اند. کلیت این پژوهش داخلی نشان از نابرابری جنسیتی و عدم دسترسی زنان به توانمند شدن با موارد ذکر شده می‌باشد (زمانی‌مقدم و همکاران، ۱۴۰۰).

در پژوهشی با عنوان واکاوای سازه‌های تأثیرگذار بر بهبود مشارکت زنان روستایی در ارتقاء امنیت غذایی خانوار، زن در توسعه و سیاست در مورد مشارکت زنان روستایی در ارتقاء امنیت غذایی خانوار مشخص گردید که از میان سازه‌های (اقتصادی، اجتماعی و روان‌شناخت) تأثیرگذار بر بهبود مشارکت زنان روستایی بر بهبود امنیت غذایی، تنها سازه‌ی روان

شناختی از حد متوسط بالاتر است، اما از نظر سازه‌ی اقتصادی و اجتماعی در وضعیت نامناسبی هستند (شعبانعلی فمی و همکاران، ۱۳۹۸). این پژوهش با یافته‌های (ام واسبا و کارهوس، ۲۰۱۵؛ پیترمن و همکاران، ۲۰۲۰؛ آناتو ۱ و همکاران، ۲۰۲۰) همسو است. در پژوهش داخلی دیگر با عنوان بررسی رویکردهای مشارکت و اشتغال زنان بر تکیه بر اقتصاد بومی در جوامع روستایی ایران نتایج حاکی از آن است که زنان روستایی به دلیل توانمندیهای مختلف در حوزه کشاورزی، صنایع دستی و خانه‌داری، باید بیشتر در اقتصاد بومی مشارکت داشته باشند. با توجه به تغییرات اخیر در اشتغال بانوان، آنان از بخش‌های تولیدی به سمت فعالیت‌های اقتصادی در حرکتند و لازمه حضور و اشتغال آنان، حمایت از ایده‌های اقتصادی و صنایع مرتبط با حوزه زنان روستایی است تا بتوانند موجب تقویت اقتصاد بومی گردند (فروزان قاسمی، ۱۳۹۸). آستین فشان و همکاران (۱۳۹۵) و در واکاوی تأثیر آگاهی‌های اجتماعی بر مقدار توانمندی زنان روستایی (بخش زنجارود شهرستان زنجان)، به ظرفیت سازی برابری و عدالت جنسیتی افزایش آگاهی در جهت پیشرفت و توسعه دست یافتند. افزایش آگاهی و توانمندی زنان، باعث عضویت آنان در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی شده و ارتباط بین زنان را اثربخش‌تر می‌کند (آستین فشان و همکاران، ۱۳۹۵). این تحقیق با نظرات (ام واسبا و کارهوس، ۲۰۱۵) همسو است.

ناصر شفيعی و همکاران (۱۳۹۴) در تحقیقی با عنوان تبیین عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان در فراگرد توسعه سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی: ناحیه گیلوان و آبر شهرستان طارم)، اعلام نمودند ارتقای میزان آگاهی و توانمندی فردی و خانواری در ارتباط با فعالیت‌های کشاورزی و غیرکشاورزی زنان روستایی اثرگذار بوده است. بی‌توجهی به نقش زنان با توجه به برنامه‌ریزی‌ها و تخصیص منابع در روند سیاست‌گذاری‌ها و اقدامات، موجب کند شدن و حتی عدم توفیق برخی برنامه‌های توسعه زنان شده است. آنان در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های توسعه اجتماعی-اقتصادی حضور مؤثر ندارند و به عنوان اقشاری آسیب‌پذیر، با مواردی مانند بی‌قدرتی، ضعف جسمانی و فقر روبه می‌باشند. افزایش توانایی‌ها و مهارت‌های آنان، می‌تواند نقش مهمی در ارتقای وضعیت اقتصادی و اجتماعی خانوارهای روستایی داشته باشد. این تحقیق با نظرات (داس و همکاران، ۲۰۱۸) و نیز با نظرات (نیوونر-گرین و همکاران، ۲۰۱۹) همسو است.

یافته‌های حمید برقی و همکارانش در بررسی میزان مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های کشاورزی (دهستان استرآباد شمالی شهرستان گرگان)، تاکید بر آن دارد که زنان روستایی با داشتن تجربه و دانش بومی در زمینه تولید محصولات

غذایی، نقش بسیار مهمی در کشاورزی و تولید غذای جهان به عهده دارند. اما به مراتب مشارکتشان پایین‌تر از حد نرمال است. سن مهم‌ترین عامل مشارکت آنان در فعالیتهای دامداری و کشاورزی است، اما افزایش میزان تحصیلات، مشارکت زنان روستایی را به خصوص در بخش کشاورزی کاهش می‌دهد (حمید برقی و همکاران، ۱۳۹۵).

حاج علی گلی در مطالعه‌ای با عنوان جایگاه و نقش زنان روستایی در قم در صنایع روستایی تاکید بر آن دارد که زنان نقشی مهمی در تولید محصولات کشاورزی و صنایع دستی دارند، اما نسبت به مردان از دسترسی کمتری به اعتبارات و تسهیلات اعطایی از سوی بانک‌ها برخوردارند (حاج علی گلی، ۲۰۰۸) که با نظرات (ادگبیت و همکاران، ۲۰۲۰؛ گوش و وینود، ۲۰۱۷) همسو است. زنان عهده‌دار فعالیتهای کشاورزی و دامداری، اشتغال در مشاغل با دستمزدهای ناچیزند، اما توانایی آنان کمتر ارزش‌گذاری شده و در استراتژی‌های توسعه نادیده گرفته می‌شوند. موانع اجتماعی، فرهنگی و ساختاری برای دسترسی زنان به منابعی مانند زمین و اعتبارات، دسترسی به تحصیلات و آموزش یا مشارکت در تصمیم‌گیری‌های محلی، جامعه و دولت اثر گذار بوده است. این تحقیق با نظرات (کیپوت و فرانزل، ۲۰۱۲؛ نجوکی و همکاران، ۲۰۱۴) و نظرات (مور و همکاران، ۲۰۲۱؛ دوس، ۲۰۱۳) و نیز با نظرات (پرز و همکاران، ۲۰۱۵؛ مودیژ و همکاران، ۲۰۱۵؛ راگاسا و همکاران، ۲۰۱۳؛ پینتو و همکاران، ۲۰۲۰؛ راگوناتان و همکاران، ۲۰۱۹؛ دافی و همکاران، ۲۰۲۰) همسو است.

این بررسی با هدف، تبیین شواهد و شناسایی شکاف‌های پیشبرد برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان در سیستم‌های کشاورزی و غذایی به انجام رسید. زنان در مقایسه با مردان، دسترسی متفاوتی به منابع، خدمات ضروری، دانش و اطلاعات، انتشار فناوری، زمین، گزینه‌های اعتباری، زمان و بازارها دارند و هنجارهای جنسیتی اجتماعی زمینه شکل‌گیری و تقویت سطوح متفاوت دسترسی و تاثیرگذاری بین زنان و مردان را ایجاد نموده است. تنها مطالعات محدودی به برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان در سیستم‌های کشاورزی و غذایی می‌پردازد و شیوه‌ها و مراحل گذر مؤثر برای مشارکت دادن مردان در فرایند توانمندسازی زنان را بررسی نموده است. در مجموع، باید گفت که با وجود پژوهش‌های ارزیابی

آگاهانه جنسیتی که اثربخشی برنامه‌های کشاورزی حساس به جنسیت و تغذیه را بررسی می‌کنند، اما شواهد محدودی وجود دارد که پایداری طولانی مدت چنین تأثیراتی را نشان می‌دهد.

نیل به اهداف کلان ملی در هر سرزمین همچون پایداری توسعه کشاورزی، تولید محصولات استراتژیک، امنیت غذایی و ایمنی غذایی جز با ریل‌گذاری صحیح و متناسب و برنامه‌ریزی و مدیریت پایدار مبتنی بر رویکرد و عملکرد سیستماتیک و جامع و نیز استفاده حداکثری از منابع زیستی و طبیعی امکانپذیر نمی‌باشد. در جهت دستیابی به اهداف، شناسایی عوامل داخلی هر سیستم همچون نقاط ضعف و قوت و عوامل خارجی هر سیستم همچون فرصت‌ها و تهدیدات و اولویت بندی و نهایتاً ارائه راهبردهای مدیریتی طی طریقی مطمئن است که منتج به هدف نهایی می‌گردد. یکی از مهمترین تکیه گاهها و نقاط قوت در سیستمهای کشاورزی و غذایی استفاده از پتانسیل ارزشمند توان جامعه بانوان و زنان در هر سرزمین است که این مهم جز با آموزش، ترویج، تسهیلگری و توانمند سازی جامعه بانوان مبتنی بر تخصص آکادمیک و تجربیات بومی میدانی امکانپذیر نخواهد بود. حصول و تحقق اهداف کلان و ملی سرزمین تنها با برنامه‌ریزی و مدیریت استراتژیک و بهره خردمندانه از منابع و پتانسیلهای موجود و اجرای استراتژی (حداکثر - حداکثر) انجام پذیر خواهد بود. در توازی با بهره از رویکردهای نوین برنامه‌ریزی و مدیریتی و نیز فناوریها و روشهای مدرن در جهت نیل به اهدافی همانند توسعه پایدار کشاورزی تولید محصولات استراتژیک، امنیت غذایی و ایمنی غذایی توانمند سازی و مشارکت حداکثری از پتانسیل جامعه باتوان در جهان معاصر مهمی است غیر قابل اغماض که حصول به اهداف و نتایج امن و نهایی را در هر سرزمین امکانپذیر می‌نماید.

پیشنهادات

گام اول: در توانمندسازی زنان و برابری جنسیتی، تغییر در ذهنیت و رشد روانی زنان مبنی بر بالابردن اعتماد به نفس، عزت نفس، جرات ورزی، نحوه حل مسئله، پذیرش شرایط بحران و استرس آور است که می‌تواند بر روی نسل بعدی اثرگذار باشد. آنچه که می‌تواند اثر بخشی بیشتری به همراه داشته باشد، آموزش مهارت‌های زندگی و مربی در این زمینه لازم و ضروری است که زنان از توانایی خود آگاه و در جهت مشارکت گام بردارند.

گام دوم: توجه به اینکه زنان روستایی آموزش حرفه‌ای در زمینه کاری خود ندیده‌اند و به صورت تجربی و خودآموزته بوده است، وجود مراکز رسمی برای آموزش زنان لازم است. این مراکز رسمی باید از سوی نهادهای رسمی کشور تأیید

گردند و مربیان با تجربه و صاحب کار به روستاها فرستاده شوند تا زنان را آموزش داده و مهارت آنان را بالا ببرند به این ترتیب، افزایش مشارکت اقتصادی و توانمند سازی آنان، می‌تواند مهم‌ترین گامی در جهت رشد آنان باشد.

گام سوم: اهمیت آموزش، ترویج و تسهیلگری مبتنی بر دانش و تخصص آکادمیک روز و تجربیات بومی میدانی است زیرا در بسیاری از موارد ضعفها و مشکلات فراوانی حتی پس از آموزش‌های انجام شده توسط تسهیلگران و آموزشگران فاقد تخصص آکادمیک و تجربیات بومی میدانی باقی مانده است.

گام چهارم: بالابردن ارزش محصولات تولیدی زنان از کوچکترین تا بزرگ‌ترین کار خانگی (درست کردن رب خانگی تا بافتن قالی و قالیچه)، به منظور مشارکت دادن زنان برای عرضه محصولات تولیدی کشاورزی و غیرکشاورزی در بازار محلی، بازارهای شهری و حتی بین‌المللی، گامی مهم در رشد توانمندی سازی زنان و کمک به استقلالش شود.

گام پنجم: راه‌اندازی تکنولوژی و ایجاد شبکه‌های اینترنتی مانند سایت‌های مجاز در کشور می‌تواند عرصه‌ای برای فروش محصولات زنان روستایی و شناسایی آنان به کل دنیا باشد و می‌تواند به افزایش ارتباطات فرامحلی آنان کمک کرده و موجب افزایش درآمد و جذب نیروی انسانی بیشتر برای کار تولیدی در بخش کشاورزی و غیر کشاورزی باشد.

منابع

- آستین‌فشان، ث.، علی‌بیگی، الف.، کرمی‌دهکردی، الف. و غلامی، م. ۱۳۹۵. واکاوی تاثیر آگاهی های اجتماعی بر مقدار توانمندی زنان روستایی (بخش زنجانرود شهرستان زنجان) فصلنامه علمی-پژوهشی زن و جامعه ۴: ۱۲۴-۱۰۳
- برقی، ح.، تقدیسی، الف.، تاریکی، ر. و نادخانی، ز. ۱۳۹۲. بررسی میزان مشارکت زنان روستایی در فعالیتهای کشاورزی (دهستان استرآباد شمالی شهرستان گرگان)، فصلنامه علمی برنامه ریزی فضایی ۱۱: ۱۷۴-۱۵۵
- زمانی‌مقدم، ر. مسعود افشانی، س. ع. ۱۴۰۰. توانمندسازی زنان سرپرست خانوار در ایران: مروری نظام‌مند، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی ۸۰: ۸۰-۴۵

شفیعی ثابت، ن. و یوسفی، س. ۱۳۹۴. تبیین عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان در فراگرد توسعه سکونتگاه‌های

روستایی (مطالعه موردی: ناحیه گیلوان و آبر شهرستان طارم)، پژوهش‌های دانش زمین (۲۵): ۴۱-۴۴

فمی، ش.، جعفری، ح.، سواری، ف.، شوکتی آملانی، م. و معتقد، م. ۱۳۹۸. واکاوی سازه‌های تأثیرگذار بر بهبود

مشارکت زنان روستایی در ارتقاء امنیت غذایی خانوار. زن در توسعه و سیاست ۴: ۶۳۰-۶۰۳

قاسمی و فروزان، الف. ۱۳۹۸. بررسی رویکردهای مشارکت و اشتغال زنان بر تکیه بر اقتصاد بومی در جوامع روستایی

جغرافیا و روابط انسانی ۵۴۱(۱): ۴-۵۶۲ ایران

Abate, N. 2018. An Investigation of Gender Division of Labour: The Case of Delanta District, South Wollo Zone, Ethiopia. *Journal of Agricultural Extension and Rural Development* 9(9): 207-214

Doss, C. 2018. Women and Agricultural Productivity: Reframing the Issues. *Development Policy Review* 36(1): 35-50.

Haj Ali Gol, L. 2008, Study of the place and role of women in rural industries Qom, Master Thesis, University of Isfahan, iran.

Meinzen-Dick, R., Quisumbing, A., Doss, C. & Theis, S. 2019. Women's Land Rights as a Pathway to Poverty Reduction: Framework and Review of Evidence. *Agricultural Systems* 17272-82.

Mulema, A. & Damtew, E. 2016, Gender-Based Constraints and Opportunities to Agricultural Intensification in Ethiopia: A Systematic Review, ILRI Project Report, Nairobi, International Livestock Research Institute.

Madzorera, I. & Fawzi, W. 2020. Women Empowerment Is Central to Addressing the Double Burden of Malnutrition. *EClinical Medicine*: 10028.

Theis, S., Bryan, E. & Ringler, C. 2019. Addressing Gender and Social Dynamics to Strengthen Resilience for All. In 2019 Annual Trends and Outlook Report: Gender Equality in Rural Africa: From Commitments to Outcomes. International Food Policy Research Institute.

Moore, N., Lane, C. Storhaug, I., Franich, A., Rolker, H., Furgeson, J., Sparling, T. & Snilstveit, B. 2021. The Effects of Food Systems Interventions on Food Security and Nutrition Outcomes in Low- and Middle-Income Countries. *3ie Evidence* 22.

Eissler, S., Diatta, A. Heckert, J. and Nordhen C.. 2021a. “A Qualitative Assessment of a Gender-Sensitive Agricultural Training Program in Benin: Findings on Program Experience and Women’s Empowerment across Key Agricultural Value Chains.” IFPRI Discussion Paper 02005, International Food Policy Research Institute, Washington DC.

Komatsu, H., Malapit, H. J. L. & Theis, S. 2018, Does Women’s Time in Domestic Work and Agriculture Affect Women’s and Children’s Dietary Diversity, Evidence from Bangladesh, Nepal, Cambodia, Ghana, and Mozambique, *Food Policy* 79: 256-270.

Chaturvedi, S., Ramji, S., Arora, N. K., Rewal, S., Dasgupta, R. & Deshmukh, V. 2016. Time-Constrained Mother and Expanding Market: Emerging Model of under-Nutrition in India. *BMC Public Health* 16: 632.

Choudhury, S., Shankar, B., Aleksandrowicz, L., Tak, M., Green, R., Harris, F., Scheelbeek, P. & Dangour, A. 2020. What Underlies Inadequate and Unequal Fruit and Vegetable Consumption in India? An Exploratory Analysis. *Global Food Security* 24: 100332.

Wemakor, A. & Iddrisu, H. 2018. Maternal Depression Does Not Affect Complementary Feeding Indicators or Stunting Status of Young Children (6–23 Months) in Northern Ghana. *BMC Research Notes* 11(1): 408

Anato, A., Baye, K., Tafese, Z., & Stoecker, B. J. 2020. Maternal Depression Is Associated with Child Undernutrition: A Cross-Sectional Study in Ethiopia. *Maternal & Child Nutrition* 16(3): 12934.

Adegbite, O. & Macheche, C. 2020. Bridging the Financial Inclusion Gender Gap in Smallholder Agriculture in Nigeria: An Untapped Potential for Sustainable Development. *World Development* 127: 104755.

Kabir, M. S., Marković, M. R. & Radulović, D. 2019. The Determinants of Income of Rural Women in Bangladesh. *Sustainability* 11(20): 5842.

Malapit, H. J. L., Sraboni, E., Quisumbing, A. R. & Ahmed, A. U. 2019. Intrahousehold Empowerment Gaps in Agriculture and Children’s Well-Being in Bangladesh. *Development Policy Review* 37(2): 176-203.

Meinzen-Dick, R., Quisumbing, A., Doss, C. & Theis, S. 2019. Women’s Land Rights as a Pathway to Poverty Reduction: Framework and Review of Evidence. *Agricultural Systems* 172: 72–82.

Bryan, E. & Garner, E. 2020. What Does Empowerment Mean to Women in Northern Ghana, Insights from Research around a Small-Scale Irrigation Intervention, IFPRI Discussion Paper 01909, International Food Policy.

Picchioni, F., Zanello, G., Srinivasan, C. S., Wyatt, A.J. & Webb, P. 2020. Gender, Time-Use, and Energy Expenditures in Rural Communities in India and Nepal. *World Development* 136: 105137.

Duffy, C., Toth, G., Cullinan, J., Murray, U., & Spillane, C. 2020. Climate Smart Agriculture Extension: Gender Disparities in Agroforestry Knowledge Acquisition. *Climate and Development* 13: 1-13.

Niewoehner-Green, J., Stedman, H., Galindo, S., Russo, S., Carter, H., & Colverson, K. 2019. The Influence of Gender on Rural Honduran Women's Participation and Leadership in Community Groups. *Journal of International Agricultural and Extension Education* 26(2): 48-63.

Examining evidence of gender equality, women's empowerment, and agricultural and food systems

Amir memarzadeh kiani^۱, Elham amoei^۲

Received:2022/05/17

Accepted:2022/11/07

Abstract

The upcoming article is about the empowerment and gender equality of women in order to achieve important goals such as the sustainability of agricultural development, the production of strategic products, food security and food safety, and the review of foreign and domestic sources in this field has been discussed in order to determine the empowerment and gender equality. To what extent is Iran in sync with the global indicators regarding women? In this research, it was determined how much women have achieved sufficient ability in various fields, including: playing a role in realizing sustainable agriculture and equality in gender norms in the field of agriculture and food security in Iran. This research shows where deep gaps remain regarding gender equality and women's empowerment. The results show things about women's different access to resources, formation, reinforcement through gender norms and differences in diet. Future research is limited to examining issues such as: gender considerations in women's food systems in urban areas, ways of involving men in the process of empowering women in food systems, as well as issues related to migration, crises and indigenous food systems, but the evidence shows that by evaluating Gender and the effectiveness of gender-sensitive agricultural programs and nutrition, women remain limited in the field of empowerment and achieving gender equality. For this purpose, appropriate planning for women's participation in the process of sustainable agricultural development, production of strategic products, food security and food safety is recommended in parallel with promoting equal gender norms and promoting access to resources and relying on local research evidence based on gender.

Key words: probiotic cheese, microorganisms, dairy products, beneficial.

¹ PhD student, Department of Planning and Management and Environmental Education, Kish International Campus, University of Tehran

² MA in Women's Studies, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran